

دادستان تهران با انتقاد از عدم همکاری دولت
از آغاز رسیدگی قضایی به پرونده مدیران نجومی بگیر خبر داد

احضار صفدر



تیتراهای امروز

هشدار سخنگوی وزارت خارجه درباره اجرایی شدن تحریم‌های هسته‌ای در قالب تمدید قانون ISA

ISA سنگ قبر برجام است



نگاهی دوباره به مختصات جنبش دانشجویی

دانشجو استکبارستیز است

گزارشی درباره سهم دانشجویان از سینمای ایران؛ کاریکاتور دانشگاه روی پرده سینما

وزیر ارتباطات خبر داد

الزام کانال‌های پرکاربر به اخذ مجوز

طرح استیضاح وزیر راه و شهرسازی با ۸۴ امضا تقدیم هیات‌رئیس مجلس شد

استیضاح آخوندی با ۱۲ پرسش کلیدی

وزیر ارتباطات خبر داد

چقدر جای «میرزا» خالی است...

یاد
حسین قدیانی

آن پیداروی نبود!
اصلا
گرگم به هوا
بازی می‌کردی
با جان!
ما
با «توافق به هر قیمتی» مشکل داشتیم!
با دروغ «صبح بدون تحریم»
با همین «تمدید»
دیدید!
که شفا را
فقط باید از خدا خواست!
که کند خدا
خودش مریض است!
و مرض دارد!
اما
چقدر این روزها
جای «میرزا» خالی است...
سرش رفت
اما
و این اما
اما مهم‌ترین «اما» همه نوشته‌هایم است؛
اما اجازه نداد
سر جنگل، کلاه بگذارند!
آهای آقای عالیجناب!
این «فتح‌الفوج» شما بود
که نقض شد!
زرشکا!
گلابی!
بگو سیب...
کنگره و سنا و کاخ سفید
بنا دارند
با «نامه سرگشاده تحریم»
عکس یادگاری بگیرند!
و گرفتند!
شیطان بزرگ
به روح
اعتقادی ندارد!
من اصلاح کنم
شعر شاعر را
هزار وعده شیطان، یکی وفا نکند!
خوب شد نیستی
حاج‌احمد!
والا باید
بیل دست می‌گرفتی
می‌رفتی اراک
تا کوهی از سیمان را
از قلب راکتور شهید هسته‌ای
پاک می‌کردی...

«مسئولیت سیاسی» از فاجعه نیشابور تا هفت‌خوان

روزنه
حمید رحیمی‌نژاد

«مسئولیت سیاسی» در کشور ما مفهومی غریب است و عموماً توجهی به آن نمی‌شود، در مسئولیت سیاسی که تنها برای مدیران اجرایی و سیاسی است لازم نیست فرد رانسا جرمی مرتکب شده باشد یا تقصیر مستقیماً به او مرتبط باشد، بلکه به صرف اینکه در زیرمجموعه تحت مدیریت سیاسی وی اتفاق ناگواری بیفتد این مدیر از نظر سیاسی به خاطر سوءمدیریت مسئول شناخته می‌شود و عرف سیاسی کشورهای مختلف به نسبت اتفاق صورت گرفته مجازات‌هایی از عذرخواهی تا برکناری و حتی دادگاهی شدن برای وی در نظر می‌گیرد. نمونه بارز مسئولیت سیاسی را همین روزها در کره جنوبی شاهد هستیم که به خاطر اعمال نفوذ یکی از نزدیکان رئیس‌جمهور، او را مرز استعفا رفت. در واقع مسئولیت سیاسی چیزی نیست که در نظام حقوقی ما سابقه داشته باشد و به قول دوستان منورالفکر ایرانی از رهاوردهای دیار غرب و حقوق مدرن است اما از عجایب روزگار این است که در جمهوری اسلامی ایران کسانی که بیشتر از همه بر طبل مدرنیته و جامعه مدنی و... می‌کوبند خود کمترین التزام را به لوازم اندیشه‌های خود و مفاهیمی مانند مسئولیت سیاسی دارند. فاجعه هفت‌خوان به خاطر ندرت اتفاق، عجیب بودن آن و عکس‌العمل مقامات دولتی برای من که به نوعی شاهد واقعه انفجار قطار نیشابور بودم یادآور آن فاجعه شوم بود. ۲۹ بهمن ۸۲ بود، درست در بحبوحه انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، در دورانی که شعارهای حقوق مردم، شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت مردم و... قائلان زیادی داشت، همین چند روز پیش از آن جاززندگان این شعارها به خاطر رد صلاحیت خودشان در تحصن مجلس من‌باب حقوق پایمال شده مردم فریادها برآورده بودند و گریبان‌ها دریده بودند. آن روز و ساعت کذایی مصادف با ساعت ورزش ما در دوران مدرسه بود، حدود ساعت ۹:۳۰ صبح بازی ما مساوی شده بود و بنا به رسم بازی‌های کودکانه برای تعیین برنده بچه‌ها در حال پنهالی زدن بودند و من هم نظاره‌گر دروازه بسوادم که ناگهان ۲ انفجار پیاپی سکوت قبل از پنهالی را به ترس تبدیل کرد. لحظاتی بعد ۲ قارچ سفید در شرق آسمان نیشابور ظاهر شد. تنها چیزی که می‌دانستیم این بود که انفجار مهیب بوده ولی نمی‌دانستیم چگونه و کجا اتفاق افتاده است. با سوال و جواب‌های مکرر بچه‌ها، مسئولان مدرسه گفتند قطاری که از ایستگاه ایومسلم مشهد فرار کرده بوده در ایستگاه خیام نیشابور با قطاری که توقف کرده بود، تصادف کرده و آتش گرفته است. بنا به تصویری که داشتم فکر می‌کردم این ایستگاه باید در نزدیکی شهر باشد ولی وقتی شنیدم فاصله ایستگاه با نیشابور ۱۷ کیلومتر بوده به عمق فاجعه بی‌بردم. انفجار قطار نیشابور به حدی شدید بود که روستای دهنو هاشم‌آباد را که ایستگاه خیام در آن قرار داشت به طور کامل ویران کرد. شیشه‌های ساختمان‌ها تا شش‌ساع ۱۰ کیلومتری مکان حادثه شکست و گودالی به عمق ۲۵ متر در محل انفجار به وجود آمد. مردم برخی روستاهای طریقه در مشهد از ترس صدای انفجار نماز آیات خواندند و از همه جالب‌تر این بود که رادیو خراسان در اخبار ساعت ۱۰ صبح اعلام کرده بود زلزله‌ای به مقیاس ۳/۵ ریشتر مشهود را لرزاند! ۳۲۰ نفر در روز حادثه کشته شدند و ۴۲۰ نفر هم زخمی شدند. شهر در حالت بحرانی بود و تمام نهادها در حال امدادسانی به آسیب‌دیدگان بودند. یادم هست یکی از اقوام که به خاطر عضویت در جهاد کشاورزی آن روز از امدادسان‌ها بود تا یک هفته بعد از حادثه دچار شوک روانی بود و چیزی درباره حادثه نمی‌گفت. بعدها که بهتر شد حرف‌هایی از جنازه‌های تکه‌تکه شده و سوخته و برهنه شده از شدت انفجار زد که حتی گوش کردن به آن از تحمل خارج بود چه برسد به دیدن. اما از قرار معلوم این فاجعه در چشم حامیان حقوق ملت و جامعه مدنی و... ارزش زیادی نداشت، چون از هیچ‌کدام از این افسردگی که تا چند روز پیش برای حقوق ملت گریبان می‌دریدند صدایی درنیامد. تنها اقدام صورت گرفته توسط دولت وقت درباره این حادثه اعلام تسلیت ریاست آن به مردم نیشابور پس از ۴ روز از وقوع حادثه و پس از گذشت ۲ روز از اعلام تسلیت دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، کوفی عنان بود. وزیر وقت راه در سال‌های بعد مدعی شد در همان زمان از مردم نیشابور عذرخواهی کرده است و اینکه از ساعت ۹ یعنی قبل از انفجار! در محل حادثه حاضر بوده است! اما مردم نیشابور نیک به خاطر دارند ایشان در مشروح صحبت‌های خود در دیدار با آسیب‌دیدگان